المدعون كثيرون والمختارون قليلون

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



### المدعوّون کثيرون و المختارون قليلون – مفاوضات - اثر حضرت عبدالبهاء – بر اساس نسخه طبع سنهء ١٩٠٨ م

سؤال

حضرت مسيح در انجيل ميفرمايد :" المدعوّون کثيرون و المختارون قليلون " و در قرآن ميفرمايد " يختصّ برحمته من يشاء " ، اين را چه حکمتست ؟

جواب

بدانکه نظم و کمال در جامعيّت عالم وجود چنين اقتضا نمايد که وجود ، منحلّ بصورت غير متناهی گردد لهذا موجودات در يک رتبه و يک مقام و يک نحو و يک جنس و يک نوع تحقّق ننمايند لابدّ از تفاوت مراتب و تمايز صنوف و تعدّد اجناس و انواع است يعنی ناچار از رتبه جماد و رتبه نبات و رتبه حيوان و رتبه انسانست چه که عالم وجود بانسان تنها ترتيب و تنظيم و تکميل نيابد . و بهمچنين بحيوان محض يا نبات محض يا جماد محض اين عالم منظر بديع و ترتيب قويم و تزيين لطيف حاصل ننمايد لابدّ از تفاوت مراتب و مقامات و اجناس و انواع است تا وجود در نهايت کمال جلوه فرمايد . مثلاً اين شجر اگر بتمامه ثمر گردد کمال نباتی حاصل نگردد بلکه برگ و شکوفه و بار جميع لازم تا نبات در نهايت زينت و کمال جلوه نمايد . بهمچنين در هيکل انسان ملاحظه نمائيد که لابدّ از تفاوت اعضا و اجزا و ارکانست جمال و کمال وجود انسانی مقتضی وجود سمع و بصر و مغز حتّی ناخن و شعر است اگر سراپا مغز و يا چشم و يا گوش گردد عين نقص است . مثلاً عدم زلف و مژگان و عدم ناخن و دندان عين نقص است و لو بالنّسبه بچشم بی احساس و حکم جماد و نبات دارند و لکن فقد آن در وجود انسان بی نهايت مکروه و مذموم است . مادام مراتب موجودات مختلفست و متفاوت بَعْضُها فوقَ بَعْضٍ پس انتخاب بعضی از اشيا برتبه اعلی مثل انسان و ترک بعضی در رتبه اوسط مثل نبات و وضع بعضی در رتبه ادنی مثل جماد چون بمشيّت و اراده پروردگار است پس تخصيص انسان برتبه اعلی از فضل پروردگار است . و تفاوت بين نوع انسان از حيثيّت ترقّيات روحانيّه و کمالات ملکوتيّه نيز بانتخاب حضرت رحمن است زيرا ايمان که حيات ابديّه است از آثار فضل است نه نتائج عدل شعله نار محبّت بقوّت انجذاب است نه بسعی و کوشش در جهان خاک و آب بلکه بسعی و اجتهاد اطّلاع و علم و کمالات سائره حاصل گردد پس بايد انوار جمال الهی روحرا بقوّه جاذبه در وجد و حرکت آرد لهذا ميفرمايد : المدعوّون کثيرون و المختارون قليلون . امّا کائنات جسمانيّه در مراتب و مقامات خود مذموم و محکوم و مسؤول نيستند . مثلاً جماد در رتبه جمادی و حيوان در رتبه حيوانی و نبات در رتبه نباتی مقبولند ولی در آن رتبه خود اگر ناقص مانند مذموم گردند بلکه آن رتبه عين کمال است . و لکن تفاوت بين نوع انسان بر دو قسم است يک قسم تفاوت من حيث المراتب است اين تفاوت مذموم نيست و قسم ديگر تفاوت از حيثيّت ايمان و ايقانست و عدم آن و آن مذموم زيرا آن نفس بهوی و هوس خويش مبتلی گرديد تا آنکه از چنين موهبت محروم شد و از قوّه جاذبه محبّة اللّه مأيوس گشت هر چند انسان در رتبه خود ممدوح و مقبولست ولی چون از کمالات آن رتبه محروم لهذا معدن نقائص گشته و باين جهت مسؤول .